

آثار اجتماعی وقف

اسلامی در ایران

(قسمت چهارم)

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی

چکیده:

کشور ایران در دوره‌های مختلف و امروزه دارای مردمی با گرایش‌های مذهبی و دینی متفاوت است ولی از آنجایی که اکثر مردم را مسلمانان و خصوصاً شیعیان تشکیل می‌دهند به آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران اشاره می‌کنیم و باز با توجه به گستردگی آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران، در این تحقیق به بیست و یک بُعد از این آثار پرداخته و به اسناد موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه و لیست نیات واقفین که در سال ۱۳۹۱ به اهتمام دفتر اسناد اوقافی سازمان اوقاف و امور خیریه از تمامی اسناد وقفی موجود در کشور استخراج شده اشاره می‌نماییم.

در قسمت‌های قبلی این مقاله، به هفده بُعد از آثار اجتماعی وقف که عبارت بودند از: امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، حل معضلات و مشکلات فردی و اجتماعی، آبادی شهرها، نوع دوستی، کمک به نیازمندان، رفع نیازهای مردم، برگزاری مراسم دینی، ایجاد اماکن مذهبی، اهتمام به کتابخانه‌ها، کارآفرینی، توسعه پایدار، تأمین بهداشت و درمان، گسترش رفاه، کاهش فقر مادی، رونق گردشگری و ایجاد رقابت سالم و مفید اشاره نمودیم و در قسمت پایانی به چهار بُعد دیگر از این آثار که عبارتند از: ارائه آموزش، پرداخت مبالغ کمک آموزشی و شهریه، ایجاد ارتباط سالم در جامعه و ایجاد فرهنگ صحیح می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها:

وقف، ایران، وقف اسلامی، آثار اجتماعی وقف.

۱۸. ارائه آموزش

بعد هیجدهم اجتماعی وقف، کارکرد آموزشی وقف است.^۱ یکی دیگر از مهم‌ترین کارکردهای وقف در جامعه اسلامی از گذشته‌های دور تا کنون کارکرد آموزشی و فرهنگی است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی، پشتیبان مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته‌اند به مدارج علمی عالی برسند. از طریق تقویت مالی مدارس اسلامی توسط وقف، این مدارس توانستند در فرهنگ نظام تعلیم و تربیت جهانی تأثیر بگذارند. امروزه نیز استفاده از درآمدهای وقف برای ساخت دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، تأسیس کتابخانه‌های عمومی، برگزاری کنگره‌های جهانی، مسابقات قرآن کریم در سطح بین‌المللی از کارکردهای

فرهنگی و آموزشی وقف می‌باشد. همچنان که از دیرباز ایرانیان توانسته‌اند از طریق مدارس دینی و حوزه‌های علمیه موقوفه بهترین شاهکارهای خود را به جهانیان معرفی کرده و در تمام جهان اثرآفرینی کنند و علم و دانش آن‌ها را از طریق اوقاف گسترش و رواج دهند.

این نکته حائز اهمیت است که در قدیم، فقط مدارس علمیه و مراکز علمی جایگاه علم و دانش نبوده بلکه در مساجد نیز کرسی‌های درس برقرار بوده است، لذا بسیاری از مدارس علمیه یا در کنار مسجد بودند و یا در درون خود جایی را برای مسجد اختصاص می‌دادند همچنان که مساجد جامع در حکم نخستین دانشگاه‌های عمومی برای آموزش در امر دین و دنیای مسلمانان بودند که این امر در تأسیس مسجدالنبی در مدینه منوره به عنوان خانه خدا مدّ نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همه نو مسلمانان قرار گرفت. از این رو در ابتدای ترویج اسلام خصوصاً در ایران نهادهای عبادی همان کارکرد

آموزشی را داشت که با پشتوانه مشروع‌ترین و مقبول‌ترین اموال موقوفه تأسیس گردید. با فزونی آمد و شد مسلمانان به مساجد، کم‌کم و به مرور زمان، دیگر نهادهای آموزشی چون دارالقرآن، دارالعلم، مکتب‌خانه، مدرسه، دارالحدیث و کتابخانه، مدرسه و حوزه به عنوان رسمی‌ترین نهادهای آموزشی علمی در سرزمین‌های اسلامی در جوار مساجد بنیان گردید، بانیان و واقفان این مراکز بیشتر توانگران نیکوکار بودند که به ترغیب عالمان دینی، خدمت به علم و عالمان را وظیفه و رسالت انسانی خود می‌دانستند. عالمان و دانشمندان نیز به فراخور توان مالی خود اموال یا خانه شخصی را وقف بر تعلم و تعلیم شاگردان خود می‌کردند. در تاریخ آموزش اسلامی از این گونه نهادهای آموزشی نمونه‌های بسیار وجود داشته است.

همه تاریخ‌نگاران اذعان دارند، ایران خاستگاه نخستین نهادهای آموزش اسلامی با عنوان «مدرسه» بوده است. این مراکز از اواخر سده سوم در خراسان

آغاز و سپس توسعه‌ای روز افزون یافت و دامنه‌اش به تدریج تمام کشور ایران را فرا گرفت و از آن پس مدارس بسیار و برخوردار از پشتوانه مالی موقوفات شخصی، گروهی یا حکومتی در ایران تأسیس گردید؛ و این امر تا بدان جا پیش رفت که از ماوراءالنهر در خاور تا اندلس در باختر دنیای اسلام مدارس علمی ساخته شد که ابن‌خلدون مورخ و جامعه‌شناس شهیر مغربی، پیشرفت دامنه دانش و آموزش در مشرق زمین را مرهون خوی میهمان‌نوازی و بخشندگی و نیکوکاری ایرانیان در حق دست‌اندرکاران و پویندگان راه دانش برشمرده است.^۲

در عصر حکمرانی سامانیان «ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی» (م ۳۲۴ ه.ق) مدرس و مفتی شافعیان خراسان که از نزدیکان «ابوالفضل بلعمی» (م ۳۲۹ ه.ق) وزیر دانشمند ایرانی بود، در کوی سیار نیشابور مدرسه‌ای تأسیس کرد و مبالغی هنگفت از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان

شاغل به تحصیل در آن وقف کرد^۳. این مدرسه خصوصی بیش از صد سال پیش از مدارس نظامیه تأسیس گردیده که بسیاری از نویسندگان قدیم از آن‌ها به عنوان کهن‌ترین مدارس در جهان اسلام یاد کرده‌اند^۴. حدود یک سده پس از تأسیس این مدرسه که به بیهقیه معروف گردید، بیهقی دیگری به نام «ابوالحسن علی بن حسین» از دوستان و نزدیکان «ابوالعباس اسفراینی» وزیر دستگاه غزنویان، این مدرسه را از نو بازسازی و اموالی را بر آن وقف کرد^۵. سرپرستی موقوفات این مدرسه بر عهده «ابوصالح مؤذن احمد بن عبدالملک نیشابوری» (م ۴۷۰ ه.ق) و پس از او پسرش «ابوالفضائل» بود که هر دو در این مدرسه اقامت داشتند و درآمد حاصله از موقوفات آن را در تعمیرات و تأمین معاش و نوشت افزار استادان و دانشجویان مدرسه صرف می‌کردند^۶. گفتنی است که یکی از استادان بنام و جامع الاطراف این مدرسه «ابومنصور عبدالقاهر بغدادی» (م ۴۲۹ ه.ق) دانش آموخته همین بیهقیه بود که نه

تنها بسیاری از رشته‌های علمی را به صورت رایگان به دانشجویان آموزش می‌داد، از ثروت سرشار خود نیز به صورت وقف برای حمایت مالی از استادان و طلاب بیهقیه هزینه‌های فراوان کرد^۷ و توانست شاگردان بزرگی را در این مدرسه تربیت نماید؛ از جمله «ضیاءالدین ابوالمعالی» (م ۴۷۸ ه.ق) از عالمان شافعی خراسان و رئیس مدرسه نظامیه نیشابور و استاد «محمد غزالی» از دانش آموختگان این بیهقیه بوده است^۸.

«ابن حبان بستنی» (م ۳۵۴ ه.ق) از دیگر بانیان مدارس و کتابخانه‌های موقوفه در جهان اسلام است. او در بیش از چهل مرکز علمی دنیای اسلام از محضر محدثان، فقیهان و عالمان بنام دانش آموخت و پس از آن در بازگشت و اقامت در نیشابور، عبادتگاهی برای آموزش دانشجویان خود وقف کرد و پس از چند سال خدمات آموزشی در این عبادتگاه در زادگاه خود بست رحل اقامت افکند و خانه بزرگ خود را مدرسه‌ای موقوفه کرد تا دانشجویان

بومی و غیربومی در آن اقامت کنند و با برخورداری از مدد معاش و ابزار آموزش رایگان به تحصیل پردازند. او همه مصنفات خود در چندین رشته علمی را که بالغ بر پنجاه عنوان و حدود چهارصد کتاب و رساله بود و دستیابی به آن‌ها برای اهل مطالعه و تحقیق غیر ممکن می‌نمود، بر کتابخانه این مدرسه وقف کرده، به وصی خود نوشت استفاده و استنساخ از این کتاب‌ها برای همگان رایگان است به شرط آن که کتابی را از کتابخانه بیرون نبرند.^۹

پس از ابن حبان، سید رضی (م ۴۰۶ ه.ق) و برادرش سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ه.ق) که هر دو از ادیبان و فقیهان دانشمند عصر آل بویه بودند کتابخانه‌های معتبر خود را به صورت مدرسه‌ای با شکوه درآورده و با عنوان دارالعلم وقف امور علمی و دینی کرده و در اختیار طالبان دانش نهادند. سید رضی چندان پشتوانه مالی بر دارالعلم خود تدارک دیده بود که هر یک از دانشجویان بی‌نیاز از کمک‌های حکومتی با در اختیار داشتن کلیدی

شبانه‌روزی می‌توانست نیازهای خود را از انبار دارالعلم تأمین کند.^{۱۰} تأسیس مدارس و نظامیه در نیمه‌های سده پنجم هجری قمری تحولی بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ آموزش ایران و بلکه جهان اسلام ایجاد کرد. خواجه نظام‌الملک طوسی (م ۴۸۵ ه.ق) وزیر توانا و با اقتدار آلب ارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵ ه.ق) و پسر و جانشین او ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵ - ۴۸۵ ه.ق) با اهتمامی وافر و با بذل مال و جان در مقابل داعیان اسماعیلیه به پا خاست و مدارسی را که به نظامیه شهرت یافت، برای مقابله با تبلیغات جامع الازهر فاطمیان مصر تأسیس کرد و با تشکیلات و امکانات مالی و مقررات آموزشی و اداری دقیق در شهرهای خراسان و جبال و عراق و جزیره و آسیای صغیر گسترش داد که بسیار گسترده‌تر از جامع الازهر بود. پرآوازه‌ترین این مدارس که در حکم دانشگاه‌های کهن سده‌های میانه اسلامی است، نظامیه بغداد بود که خواجه مبالغی هنگفت از دارایی شخصی و درآمد وزیر از

خزانه دولت را برای آن هزینه یا وقف کرد و موقوفاتی برای آن تعیین کرد. هدف خواجه از تعیین این موقوفه‌ها برای آن بود که پشتوانه مالی مدرسه در روزگارانِ پس از او مورد اختلاس یا تجاوز و مصادره غاصبان قرار نگیرد؛ از این رو به ابوسعید صوفی نماینده خود در کار ساختمان نظامیه بغداد دستور داد که در اطراف مدرسه بازارهایی وقف بر آن بسازد، علاوه بر آن حمام‌ها، دکان‌ها، کاروانسراها و... خرید و همه را وقف نظامیه کرد تا مخارج آن را از محل درآمد این موقوفات تأمین نماید. به دستور خواجه صورت مفصل موقوفات و اموال مدرسه در دفاتری مخصوص به این کار ثبت و ضبط گردید و برای آن ضوابط و شرایط و مقررات مؤکد نوشت و مسئولان و متولیان پس از خود را به اجرای مفاد آن ملزم ساخت.

خواجه نظام‌الملک سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمد موقوفات مدرسه را به خرید و استنساخ کتاب برای کتابخانه نظامیه اختصاص داده بود

و چندان نپایید که در این کتابخانه موقوفه گنجینه‌ای غنی از کتاب‌های نفیس فراهم گردید و امیر عمید ابونصر متصدی اوقاف نظامیه در جمادی الاخر سال ۴۶۲ صورتی از کتاب‌های موقوفه مدرسه و کتاب‌هایی را که پس از آن به کتابخانه اهدا شده بود در حضور اعیان و اشراف بغداد قرائت کرد.

با گسترش دامنه تأسیس مدارس و نهضتی که از پرتو مدارس نظامیه در جهان اسلام ایجاد شد دیگر پیروان مذاهب نیز به تأسیس مدارس موقوفه تشویق و ترغیب شدند؛ و این همه باعث ترویج علم و دانش در مرزهای اسلامی و ایران گشت و در بسیاری از شهرها مدارس وقفی ایجاد شد.

آقای عبدالحسین زرین کوب، استاد دانشگاه تهران در کتاب معروف خود، «فرار از مدرسه»، که سرگذشت ابوحامد امام محمد غزالی دانشمند بزرگ اسلامی و از پرورش یافتگان مدارس وقفی و همچنین مدرس نظامیه بغداد است، درباره تعداد مدارس وقفی در آن دوره می‌نویسد: مدارس توس

از شهرت مدارس جرجان و نیشابور برخوردار نبود ولی با این همه اوقاف، نیکوکاران و خیرات توانگران شهر، طالبان علم و فقیهان آنجا را باز به آن اندازه معاش می‌داد که با فراغ خاطر به کسب دانش پردازد^{۱۱}. ولی متأسفانه در حمله مغول و خصوصاً لشکرکشی هولاکو به بغداد بسیاری از موقوفات مدارس بزرگ مانند نظامیه و مستنصریه مدارس علمیه و کتابخانه‌های وقفی آسیب فراوان دید.

یاقوت حموی از کتابخانه‌های موقوفه مرو در آستانه حمله مغول به این شهر گزارش می‌دهد که بسیار تکان دهنده است.

یاقوت گفته است: من در مرو شاه جان روزگار می‌گذرانیدم. در آنجا کتاب‌ها در علوم و آداب و نوشته‌ها از صاحبان درک و فهم چندان یافت می‌شد که مرا از یاد کسان و زادگاه و دوست و همسالان بازمی‌داشت. در آنجا بر گمشده خود دست یافته و به آرزوی دیرین رسیده و به سان آزمندی به این گنجینه‌ها روی آورده بودم...

اما چندان نپایید که مصیبت ویرانی گریبان خراسان را گرفت و من در سال ۶۱۶ هـ.ق مروی را وداع گفتم که در نیکوترین احوال روزگار می‌گذرانید، و اگر یورش مرگبار تاتار بر آن روی نمی‌نمود بر آن بودم که تا زنده‌ام از آن دل برنکنم که مردمی نرم‌خوی و نیک‌رفتار و انبوهی از کتاب‌های ارزشمند داشت. در حالی این شهر را وداع گفتم که ده کتابخانه موقوفه داشت و من ماندش را در انبوهی و نفاست در دنیا ندیده بودم^{۱۲}.

یاقوت آن گاه از این کتابخانه‌ها نام برده و یادآور شده که دسترسی به کتاب‌های این کتابخانه‌های موقوفه بسیار آسان بود. وی می‌گوید: من همواره دویست مجلد یا بیشتر از این کتاب‌ها را که دویست دینار ارزش داشت بدون گروهی در خانه‌ام نگاه می‌داشتم و در آن‌ها می‌کاویدم و از دانش‌هایش بهره می‌بردم. انس با این کتاب‌ها هر شهر و دیار دیگر را از یاد من برده و فکر زن و فرزند را از خاطرم زدوده بود. بیشترین بهره‌های این

کتاب (معجم البلدان) و دیگر کتاب‌ها که تألیف کرده‌ام حاصل خوشه‌هایی است که از خرمن دانش این گنجینه‌ها چیده‌ام.^{۱۳}

این شیوه استفاده یاقوت از کتابخانه‌های موقوفه مرو در حدود هشت سده پیش که درست با مقررات و نحوه کتابداری پیشرفته‌ترین کتابخانه‌های دانشگاهی در جهان امروز هماهنگی داشته، سندی است افتخارآمیز از موقوفاتی که منافع معنوی آن متوجه محققان و دانش‌پژوهان شده است. تأثیر معنوی این نهادهای وقفی و عام‌المنفعه در همان روزگاران چندان عمیق بوده است که همین یاقوت محروم از مزایای مادی که عمری را به آوارگی در سر کار علم و کسب معنویت سپری ساخت، پس از فرار از دم تیغ مغولان و آن‌گاه که به حوزه عراق بازگشت، حاصل عمر و حیات معنوی خود را که مشتی کتاب از مصنفات خود و یا آثار علمی دیگران بود همه را بر کتابخانه مسجد زیدی بغداد وقف کرد و در اختیار ابن‌اثیر

مؤلف تاریخ معروف به کامل‌التواریخ قرارداد تا او این کتاب‌های موقوفه را به آن کتابخانه حمل کند.^{۱۴}

اوج شکوه نیکوکاری واقفان اموال موقوفه و بهره‌گیری از آن در بنیان و نگاهداشت نهادهای دانش و آموزش، درخشش دوران‌دیشی مرد بزرگ و نامدار ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ه.ق) و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (م ۷۱۸ ه.ق) است که تاتار بیگانه از فرهنگ و تمدن را وامدار دانش و درایت خویش ساخته، در صدر وزیران عصر مغول و ایلخانان خوش درخشیدند و در آن سیاه روزگار تاریخ سیاسی اجتماعی ایران برای احیای میراث معنوی این مرز و بوم مردانه به‌پا خاستند و به مدد موقوفات سر رشته گسسته دانش و معرفت را با سر انگشت تدبیر از نو به هم پیوستند. خواجه نصیرالدین طوسی مسئولیت و نظارت بر کل موقوفات قلمرو وسیع هولاکو را بر عهده گرفت و نسبت به ترمیم ویرانی‌ها و تأمین زندگی دست‌اندرکاران دانش کوشش

فراوان کرد^{۱۵} و با وقف کتاب‌هایی که در اثر حمله مغول‌ها و یورش تاتار پراکنده شده بود را در مراغه گردآورد و کتابخانه موقوفه چهارصد هزار مجلدی برای دانشمندان آن دوران تدارک دید و سپس دانشگاه و رصدخانه بزرگ پایتخت ایلخانان را بنیان نهاد.^{۱۶}

در سده هفتم، موقوفات «غازانی خان» به نام «شب غازان»^{۱۷} و همچنین موقوفات «خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی» به نام «ربع رشیدی» به گونه‌ای گسترده در نمودار فرهنگی و نیکوکاری در تبریز پدید آمدند که به انگیزه‌های چندی در آن سده‌ها، در شمار برجسته‌ترین و فراگیرترین موقوفات در زمینه موقوفات علمی و دانشگاهی جای دارند، به ویژه که این موقوفات نام شاهان مغولی سده هفتم را زنده نگه داشته است. در شب غازان، به جز گنبد آرامگاه که در سال ۷۰۲ هـ.ق پایان یافته و دارای ویژگی‌های باور نکردنی است بناهای مذهبی چندی نیز ساخته شده بود که درخور توجه بوده است که از آن شمار

است: مسجد جامع، مدرسه شافعیه، مدرسه حنیفیه، خانقاه دارالسیاده، جهت اقامت سادات، رصدخانه، دارالشفاء، بیت‌الکتب (کتابخانه) بیت‌القانون و... این موقوفات دارای وقفنامه‌ای بوده است که متأسفانه، همچون خود شب از میان رفته است، ولی وقفنامه ربع رشیدی، به جای مانده است اگر چه از ربع آباد و پراز جنب و جوش و شکوه آن، اینک به جز «ربع و اطلال و دمن» چیزی بر جای نیست.

امیرالشعرا معزی گوینده توانای سده پنجم در سروده «دیار یار» در باره مصائب وارد شده با تخریب ربع رشیدی می‌گوید:

ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار
من تا یک زمان زاری کنم بر ربع و اطلال و دمن

ربع از دلم پر خون کنم خاک دمن
گلگون کنم

اطلال را جیحون کنم از آب چشم
خویشن...^{۱۸}

از درآمد هنگفت و چشمگیر موقوفات ربع رشیدی نیمی به فرزندان

خواجه رشیدالدین می‌رسید و نیمی دیگر برای هزینه‌های جاری ربع رشیدی اختصاص می‌یافت. ولی جالب توجه این است که هزینه‌هایی لایروبی قنوت، کود، سهم زارعان املاک و تعمیر اماکن و غیره بر سهم اولاد، از برتری و اولویت برخوردار بوده‌اند.

در عهد صفویه با توجه به ایجاد مراکز و مدارس متعدد آموزشی، موقوفات بسیاری به عنوان پشتوانه مادی این مدارس که عمدتاً حوزه‌های علمیه را تشکیل می‌دادند منظور گردیده است. به شهادت کتاب‌های معتبری چون عالم آرای عباسی، قصص خاقانی و خلد برین، این موقوفات در دوران صفویه ارزش مادی بسیاری داشته و عواید آن مبالغ شگفت‌آوری را شامل می‌شده است. وقفنامه موقوفات سلطنتی را شیخ بهاءالدین عاملی در زمان شاه عباس اول نوشته است و رسیدگی به کار اوقاف را اشخاصی مانند علامه میر محمد باقر داماد (م ۱۰۴۰ ه.ق)، علامه ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ه.ق)، علامه

ملا عبدالله شوشتری (م ۱۱۷۳ ه.ق)، شیخ لطف‌الله میسی عاملی و میرزا رضی، وزیر شاه عباس، عهده‌دار بوده‌اند.

اهمیت وقف در عصر صفویه به ویژه در زمان شاه عباس اول به نحوی بوده است که وی گفته است جمیع اشیاء سرکار من و آنچه اطلاق مالکیت بر آن توان کرد، حتی این دو انگشتری که در دست دارم، وقف است، لیکن مشروط بر آن است که به هر مصرفی که رأی صواب نمای اشرف که متولی آن‌هاست، اقتضا نماید.^{۱۹}

اگر چه شاه عباس به گفته خود، همه اموال و دارایی‌های خود را وقف نموده و بدین ترتیب بناهای بسیاری در اصفهان و سایر شهرهای ایران به وجود آمده است که برخی از این ابنیه و آثار هنوز بر جای مانده و بسیاری از آن‌ها نیز با گذشت زمان و بر اثر مصائب و سوانح از بین رفته است، لیکن در سرتاسر حیات این سلسله، مساجد، مدارس و بسیاری از اماکن عام‌المنفعه پشتوانه‌های بسیاری داشته

است که در بیان نکات مربوط به مدارس و نهادهای آموزشی آن دوره به پاره‌ای از این وقفیات اشاره خواهیم کرد. از جمله این نهادهای آموزشی می‌توان از مدارسى مانند سلطانيه (امام صادق عليه السلام)، کاسه‌گران، نیم‌آورد و غیره نام برد که میزان قابل توجهی از املاک و مستغلات وقفی، باعث رونق آن‌ها و فراهم آمدن امکانات، چه برای محصل یا طلبه و یا مدرس و استاد شده است. در وقفنامه‌های این دوره مکرر به مواردی برخورد می‌کنیم که وقف‌کنندگان منتهای دقت خویش را به کار بسته‌اند تا از حیف و میل شدن عواید موقوفات و به مصرف صحیح نرسیدن آن جلوگیری کنند و به خصوص در اواخر وقفنامه با ذکر برخی آیات و روایات کوشیده‌اند موجبات تنبّه متولیان را فراهم سازند، و در بعضی از آن‌ها مکرر توصیه کرده‌اند که بعد از واقف، تولیت با اصلح اولاد اوست، مانند آنچه در کتیبه مدرسه ملا عبدالله اصفهان موجود است. در این وقفنامه‌ها رعایت حال

طلاب و کمک‌های مادی و معنوی به آن‌ها به شرط دارا بودن تقوا و داشتن فعالیت‌های علمی توصیه شده، و این موضوع حتی در کتیبه مدرسه شفیعیه در دشت اصفهان آمده است، و نیز در پایان هر وقفنامه، فرد متجاوز را به لعنت خداوند و نفرین رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تهدید کرده‌اند و مخصوصاً تأکید کرده و تذکر داده‌اند که موقوفات باید به همان مصارفی برسد که وقف‌کننده نیت آن را داشته و معین کرده است.

هر مدرسه‌ای که بنا می‌شد، مواردی از املاک و مستغلات را وقف آن می‌نمودند و خود بنیان مدارس، معمولاً حافظان و متصدیان عایدات موقوفات آن هم به شمار می‌رفتند. در برخی از وقفنامه‌ها، متولی وقف دارای اختیاراتی از جمله تعیین مدیر، اساتید و همچنین یکی از متصدیان عمده پذیرش و قبول طالبان علم در مدرسه است.

در این دوران تعدد مدارس علمیه در اصفهان زیاد شد و اشتیاق به دانش‌آموزی دینی کثرت یافت و همه طالبین

علوم دینی و مدرسان فقه جعفری را از تمام شهرهای اسلامی به سوی اصفهان کشاند و این شهر را به عنوان مرکز جهانی تشیع مطرح کرد که عالمان فراوانی در این شهر سکنی گزیدند و امروزه با آن که نام بسیاری از آن‌ها را می‌دانیم، از اکثر آن عالمان وارسته هیچ اطلاعی در دست نیست.

کثرت مدارس علمیه در شهر اصفهان باعث شد واقفان آن‌ها شرایطی خاص برای تحصیل و استقرار در آن مدارس تعیین نمایند تا سطح علمی مدارس به نقطه قابل قبول ارتقا یابد.

این شرایط که تماماً در راستای ارج نهادن به مقام علم و عالم است به چند دسته مهم تقسیم می‌شود:

۱. شرایط مدرس و معلم

اگر چه در همه وقفنامه‌ها به صراحت به این موضوع مهم پرداخته‌اند و غالباً نظر و رأی متولی را برای گزینش مدرس کافی دانسته‌اند، اما برخی از واقفان که به کیفیت کار مدرسه خود اهمیت زیادی می‌دادند، شرایط خاصی

را برای پذیرش مدرس در مدرسه عنوان می‌کردند که اهم آن، تقید به تشیع اثنی عشری، حضور به موقع در مدرسه و گاه اقامت در مدرسه و تسلط بر علوم دینی، رسیدگی و نظارت بر امور مدرسه و طلبه‌ها و عدم فرادهی برخی از علوم خصوصاً فلسفه بوده است. برای مثال عباس قلی خان گفته است که مدرس مدرسه‌اش باید مرد فاضلی باشد که تسلط وافی در علوم عربیت و کلام و نصیب و آفری از فقه امامیه و اخبار و احادیث اهل بیت رسالت علیهم‌السلام و اطلاع کاملی بر تفاسیر آیات با قرائات قرآنی داشته باشد.^{۲۰}

و یا در وقفنامه مدرسه نیم‌آور چنین آورده شده است: «و در هفته، پنج یوم در صنف مدرسه به افاده علوم دینی و معارف یقینیه اشتغال نماید.»^{۲۱}

البته در کنار همه این شرایط بودجه‌هایی را از موقوفات برای امرار معاش اساتید در نظر گرفته می‌شد و همچنین مسأله حق‌التدریس مدرسان از مواردی بود که غالباً از سوی واقفان مورد توجه قرار می‌گرفت.

در سال ۱۰۹۴ ه.ق امام وردی بیگ، حق‌التدریس مدرس را روزانه دویست و پنجاه دینار تبریزی مشخص کرده است. حکیم‌الملک سالانه پانزده تومان تبریزی را به این کار اختصاص داده است. شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۳ ه.ق مبلغ پنجاه تومان تبریزی برای مدرسی که متولی تعیین کرد؛ البته وی شرایط مدرس و چگونگی تدریس و آن چه را او باید تدریس کند مشخص کرده است. آقا کمال، خازن شاه سلطان حسین که مدرسه خود را به نام شاه «مدرسه سلطان حسینیه» خوانده است در وقفنامه‌ای که در سال ۱۱۲۵ ه.ق تنظیم کرده، مقرری رییس مدرسه را روزانه دویست دینار تبریزی قرار داده است.

و یا شیخ علی خان زنگنه در وقفنامه خود در جایی که صحبت از مواجب ناظر می‌کند به صراحت بیان می‌دارد که: «هر ساله مبلغ پنج تومان تبریزی ... به عالمی غیر متظاهر به فسق از سکنه بلده همدان» بابت نظارت بر امور مسجد و مدرسه پرداخت شود.^{۲۲}

۲. شرایط طلاب و دانش پژوهان

از میان مواردی که در رونوشت وقفنامه مدرسه سلطانیه اصفهان (مدرسه امام صادق علیه السلام) به چشم می‌خورد، در باب وظایف طلاب مدرسه است، از جمله این که طلاب مدرسه باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت علیهم السلام، تفسیر، فقه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند و نیز هر یک از طلاب باید به قدر متعارف و معهود به این درس‌ها مشغول باشند و حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتاب‌های مشهور احادیث اهل بیت علیهم السلام باشد. همچنین با توجه به مخالفت با برخی از علوم عقلی در سال‌های انحطاط عصر صفوی در حوزه‌های علمیه و مدارس آن زمان، در وقفنامه این نهاد آموزشی هم این نکته تصریح شده است؛ در قسمتی از این وقفنامه آمده است که طلاب باید از مباحثه درباره کتاب‌های حکمت و آثار مربوط به تصوف در مدرسه احتراز نمایند.

از دیگر شرایط که در وقفنامه‌های

مدارس برای طلاب آورده شده اقامت دائم در مدرسه و پیشرفت در علم است، واقف مدرسه امامیه شیراز قید کرده است که: «و چون یکی از سکنه آنجا به قصد عود اختیار سفر نماید تا چهل یوم که عود نماید به حجره، احق و اولی است».

همچنین در باب درس خواندن و اهتمام به فراگیری علوم سخت‌گیری خاصی شده و در وقفنامه آمده است «هر یک از طلبه که به قدر هفت سال در مدرسه بوده اثر ترقی در ایشان ظاهر نگردد، متولی و ناظر مختارند که او را اخراج و دیگری را ساکن سازند».^{۲۳}

واقف مدرسه مریم بیگم اصفهان با سخت‌گیری بیشتری قید کرده است که: «اگر یک سال بر احدی بگذرد که ترقی در حال او به حسب علم و عمل نشده باشد یا مضمون مدرس شود که قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج شود».^{۲۴}

برخی از واقفان شرط اشتغال به تحصیل طلاب را عدم اشتغال دیگر در حین تحصیل دانسته‌اند، در وقفنامه

مدرسه کاسه‌گران اصفهان آمده است: «متولی در حینی که حجرات مزبوره را به طلبه می‌دهد اولاً تحقیق احوال ایشان نماید که به غیر از تحصیل علوم دینیه به کسب دیگر مشغول نباشند و اگر احدی از ایشان متأهل باشد شرط نماید که در هفته چهار شب در حجره مدرسه که مختص اوست بیتوته نماید و چراغ جهت مطالعه علوم دینیه روشن سازد» واقف در ازای شرطی که قرار داده فکر معاش طلاب را نیز کرده است. در جایی دیگر در وقفنامه گفته: «هر یوم مبلغ پنجاه دینار به طلبه سکنه^{۲۵} هر حجره از حجرات مدرسه مزبور دهند و اگر حاصل موقوفات زیاده از حجره‌ای پنجاه دینار باشد، دو شخص را در یک حجره جای داده، هر حجره هر یوم مبلغ یکصد دینار تبریزی رسانند».^{۲۶}

همان‌گونه که ذکر شد گاه در اواخر دوره صفوی در برخی مدارس عدم گرایش به حکمت و عرفان جزو شروط اعلام شده بود. در واقع مطالعه این‌گونه کتاب‌ها را در زمره مفساد

اخلاقی محسوب می‌کردند. نمونه بارز آن، وقفنامه مدرسه مریم بیگم است که در سال ۱۰۱۶ هـ.ق بر لوح سنگی حک و در محل مدرسه نصب شده بود. در این وقفنامه به صراحت قید شده که: «باید که کتاب‌های علوم وهمیه یعنی علوم شکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است مثل شفا و اشارات و حکمت‌العین و شرح هدایت و امثال ذلک به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند»^{۲۷}. همچنین شیخ علی خان زنگنه در وقفنامه خود شرط کرده که: «هر گاه مدرس و طلبه به افاده و استفاده علوم حکمیه که مخالف شریعت باشد بدون نقض و ابطال و غیر آن اشتغال نمایند شهریه ایشان را قطع نموده اخراج نمایند»^{۲۸}.

در مقابل این شروط واقفان تسهیلاتی را برای طلبه‌ها در نظر گرفته بودند. آنان مقداری از درآمد موقوفه را برای مدد معاش اختصاص داده بودند. همچنین بودند افراد دیگری که اگر چه جزو واقفان مدارس نبودند اما برای

طلاب مبالغی را وقف کرده بودند، که این مبالغ می‌توانست هزینه زندگی ساده آنان را تأمین کند تا آنان با فراغ بال به امر تحصیل بپردازند. حقوق طلاب نیز یا سرانه پرداخت می‌شد و یا به هر حجره مبلغی معین تعلق می‌گرفت. در وقفنامه مدرسه سلطانیه قید شده است که: «حجره‌ای یک صد دینار تسلیم ساکنین آن‌ها نمایند خواه در آن حجره یک نفر و خواه دو نفر ساکن باشند». البته برخی از واقفان بیشتر شدن تعداد طلاب را در یک حجره مشروط به رضایت طلبه ساکن در آن کرده‌اند.

گاهی نیز میزان مقرری به طور یکسان تقسیم نمی‌شد بلکه بر اساس پیشرفت علمی آنان بود. واقف مدرسه امامیه شیراز نحوه تقسیم مقرری را این گونه معین کرده است: «در وجه نه نفر از طلبه که اعلام رتبه از باقی من جهة العلم باشند هر یک مبلغ هشتاد دینار تبریزی و نه نفر از اواسط را هر یک مبلغ هفتاد دینار تبریزی و هشت نفر از ادنی مرتبه من الباقی را هر یک مبلغ شصت دینار تبریزی معین برسانند»^{۲۹}.

غیبت از مدرسه می‌توانست دلایل گوناگونی داشته باشد. همان طور که پیش‌تر گفته شد طلاب متأهل حق داشتند در هفته چند شب مدرسه را ترک کنند. خروج از مدرسه برای عیادت خانواده نیز اگر چه به صراحت قید نشده اما طبیعی است که ممنوع نبوده است. اما بیشترین مدت غیبت از مدرسه خروج به قصد زیارت اماکن مقدسه بود.

معدودی از واقفان علاوه بر پرداخت پول برای معاش سالانه، یک دست لباس نیز برای طلبه‌ها در نظر گرفته بودند. عباس قلی خان مقرر کرده است که «در تحویل عقب هر سال به جهت هر یک از سکنه مدرسه، یک دست ملبوس ضروری نسق نموده بلا تعلل به ایشان» داده شود.^{۳۰}

۳. تنظیم درآمد و مخارج

مدارس^{۳۱}

علی‌رغم آن که مخارج روزمره مدارس مبالغ قابل توجهی را شامل می‌شد، تحصیل در مدارس این دوره بر

خلاف بسیاری از مدارس جهان آن روز به صورت رایگان بود و به همین دلیل بنیان مدارس می‌بایست از راهی دیگر مخارج مدرسه را تأمین می‌کردند. به عبارت دیگر اگر قرار بود این مدارس به حیات خود ادامه دهند، بایستی افرادی حقیقی یا حقوقی مخارج آن‌ها را بر عهده می‌گرفتند و یا برای آن‌ها منبع درآمدی ایجاد می‌کردند. گذشته از آن که یکی از بهترین شیوه‌های ایجاد درآمد برای مدارس، وقف املاک و مستغلات بود.

حال اگر جنبه دینی و مذهبی این مدارس را در نظر بگیریم می‌توانیم میل و اشتیاق یک جامعه دین‌دار جهت حمایت از این مراکز را به خوبی درک کنیم. این درست چیزی است که در تمام طول تاریخ اسلام در جوامع مختلف انجام پذیرفته است. در واقع در این جوامع افراد بسیاری یافت می‌شوند که برای کسب ثواب اخروی و یا اعتبار دنیوی حاضر به تخصیص اموال خود برای مدارس می‌باشند. بدین ترتیب در این دوره مدارس بسیاری بر پایه

وقف ساخته شد و یا افرادی پیدا شدند که اموالی را بر مدارس موجود وقف نمودند. شاردن در این مورد گفته است که «در ایران مدارس طلبه نشین چندان زیاد، و عایدت آن‌ها آن قدر است که از چهارصد هزار تومان معادل چهار میلیون و پانصد هزار لیور درمی‌گذرد».^{۳۲}

درآمد حاصله در تمام مدارس یکسان نبود حتی برخی از مدارس قادر به پرداخت وجه معاشی به طلاب خود نبودند و یا مقدار آن قلیل بود اما با این وجود حتی حجره‌های این گونه مدارس نیز خالی نمی‌ماندند^{۳۳} و بستگی زیادی به تمکن مالی واقف و یا دست و دلبازی او داشت. اما مخارج از نظر تنوع تقریباً یکسان بودند، اما از نظر مقدار تفاوت داشتند چرا که برخی مدارس بزرگ‌تر بوده و طلاب بیشتری را در خود جای می‌دادند؛ و برخی کوچک‌تر بودند. همچنین میزان کمک هزینه معاش طلاب و حق‌التدریس مدرس در تمام مدارس یکسان نبود. علاوه بر این وسعت

مدرسه مخارج جانبی بیشتری را به دنبال داشت. به هر حال این مخارج هم متنوع بودند و هم متفاوت.

به طور کلی مخارج عبارت بودند از: پرداخت حقوق دیوانی^{۳۴}، هزینه‌های جاری رقبات وقفی^{۳۵}، هزینه مرمت بنا، پرداخت حق‌التولیه و حق‌النظاره، پرداخت حقوق کارکنان مدرسه شامل مدرس، مستخدم، مؤذن و نیز پرداخت هزینه‌های روشنایی، تهیه آب آشامیدنی و پر کردن آب حوض، هزینه سوخت جهت زمستان، پرداخت وجهی به طلاب و.....

در برخی وقفنامه‌ها برای یکایک موارد فوق هزینه مشخصی در نظر گرفته شده است. از جمله در برخی از وقفنامه‌های مدارس اصفهان شرح مفصلی از این موارد همراه با میزان حق‌الزحمه هر کدام آورده شده است. در بعضی وقفنامه‌های دیگر به رأی و نظر متولی واگذار شده و یا آن که تنها هزینه برخی از موارد ذکر شده و مشخص گردیده است. در چنین وقفنامه‌هایی بر پرداخت هزینه‌های

ضروری حق التولیه واقف اشاره می‌کند که «ما بقی به رأی متولی به مصارف و وظایف مدرس و طلبه و مؤذن و خادم مدرسه» برسد. گاهی نیز خواسته شده باقی مانده درآمد موقوفات به طور تساوی میان طلاب تقسیم گردد. گاهی نیز مقادیری از درآمد یک موقوفه به مدرسه و ساکنان آن اختصاص یافته است، از جمله در وقفنامه ملا محمد باقر سبزواری^{۳۶}، وی شش سهم از ده سهم موقوفه را برای «اعانت طلاب ساکن در آن و خادم و مستحفظ و چراغ و روشنایی مدرسه و حجرات طلاب و غیره و تعزیه‌داری در ایام عاشورا و ریسمان و حق الشرب و تنقیه فاضلاب»، آن هم به طریقی که متولی صلاح بداند اختصاص داده است.

سازمان اوقاف و امور خیریه امروز مفتخر است - که با دارا بودن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم که در حال حاضر دارای بیست و دو شعبه در سطح کشور است و بیش از پنجاه هیأت علمی داشته و بیش از سیصد استاد در آن به تدریس مشغول هستند

و دارای شش هزار دانشجو می‌باشد - یکی از گسترده‌ترین دانشگاه‌های قرآنی را اداره می‌نماید.

در کشور ایران وقف توانسته بسیاری از افراد خیراندیش را به سوی خود جلب نماید و آن‌ها مدارسی را برای تحصیل در مقاطع ابتدایی تا سطوح عالی وقف نمایند و یا اموالی را برای اداره چنین مدارس وقف کنند. تبلور اراده خیرین مدرسه‌ساز برای ساخت صدها هزار کلاس درس و وقف آن برای فعالیت‌های آموزشی یکی از این ظرفیت‌هاست. بنا بر آمار رسمی مجمع خیرین مدرسه‌ساز کشور، نیکوکاران و افراد خیر با مشارکت گسترده خود در امر مقدس مدرسه‌سازی، بار سنگینی را از دوش دولت و وزارت آموزش و پرورش برداشته‌اند و تاکنون سی و سه درصد از مدارس کشور توسط خیرین مدرسه‌ساز کشور احداث شده است^{۳۷}. علاوه بر وقف از آنجایی که وزارت آموزش و پرورش در زمان‌های گذشته عهده‌دار امورات وقف در کشور بوده بهترین زمین‌های موقوفه‌ای را تصرف

واقعہ سیدہ احقر روزنامہ

دست بچندہ
شخصیہ
روزنامہ
دربارہ

صفحہ نمبر ۸۸
۱۳۹۳
۲۶

کرده و دبستان، دبیرستان و ... در آن بنا کرده و البته اجاره‌های آن را برای اجرای نیات واقفان پرداخت می‌نماید. ولی موقوفات توانسته مدارس را در درون خود جای دهد که برای نمونه می‌توان به مدارس که در خیابان اردیبهشت اصفهان اشاره کرد که تماماً وقف مسجد لبنان است.

باید توجه داشت که آمار مدارس وقفی جدای از مدارس است که به عنوان خیرین مدرسه‌ساز به صورت انبوه و بانیت خیریه‌ای ساخته شده که اگر آن‌ها نیز به نیت وقف ساخته می‌شدند بقای بیشتری برای آن‌ها متصور بود.

برخی از واقفان مجتمع‌های آموزشی ایجاد کرده‌اند که برای مثال در موقوفات امروز می‌توان به سلسه مدرسه‌های البرز اشاره کرد که مرحوم حسین علی البرز موقوفاتی را برای این تأسیس و گسترش مدارس و بالا بردن کیفیت آموزش، اختصاص داده است.^{۳۸}

بنیاد فرهنگی البرز در اسفند ماه

۱۳۴۲ در تهران تأسیس و هدف این بنیاد شکوفا نمودن استعداد های نهفته نسل جوان و دانش‌پژوه کشور بوده و به همین منظور بنا شده بود به همین خاطر اقدامات زیر را سرلوحه برنامه خود قرار داده بود:

۱. اعطای جوایز حُسن تحصیل به دانش‌آموزان و دانشجویان
۲. اعطای جوایز به دانشمندان و پژوهندگان و مخترعین
۳. اعطای کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان به صورت وام بدون بهره
۴. کمک به چاپ و نشر کتاب‌های علمی و مذهبی

۵. احداث مدارس و مراکز آموزشی این بنیاد از تاریخ تأسیس تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست توانسته بود به ۱۴۵۲ نفر دانشجو کمک هزینه تحصیلی و وام اشتغال به کار بدون بهره پرداخت کند؛ و نیز در همین زمان توانست به تعداد بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان رتبه اول و دانشمندان و پژوهندگان و مخترعان و مکتشفان جوایزی اعطا کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرحوم البرز طی نامه مورخ ۵۸/۱/۲۴ به محضر امام خمینی علیه السلام تولیت موقوفات را از منقول و غیر منقول و وجوه نقدینه به عهده مقام منیع ایشان واگذار نمودند تا معظم له با در نظر گرفتن مواد اساسنامه و وقفنامه هر طور صلاح می دانند اقدام لازم را معمول فرمایند. حضرت امام نیز پس از تحقیق و تفحص پیرامون عملکرد بنیاد البرز، سازمان اوقاف و امور خیریه را موظف نمودند: برای اداره امور بنیاد و عمل به مندرجات اساسنامه و وقفنامه هیأتی مرکب از امنا و معتمدین و یک نفر روحانی مورد اعتماد تعیین و معرفی نمایند.

لذا از سال ۱۳۵۹ تاکنون بنیاد فرهنگی البرز توسط هیأت امنای منتخب سازمان اوقاف و امور خیریه اداره گردیده و پیشرفت های چشمگیری نصیب این موسسه خیریه و فرهنگی شده است. اساسنامه بنیاد فرهنگی البرز به گونه ای تنظیم شده است که توسعه آن را ممکن می سازد: «چنانچه ذخایر

بنیاد به پایه ای برسد که برای ایجاد بنای جدیدی کافی باشد با تصویب هیأت امنای، مدیرعامل وقت اجازه دارد اقدام به خرید یا ایجاد ساختمان بنماید مشروط بر آن که رعایت تمام جوانب و شئون بنیاد از جهت منافع آتی و مصالح آن شده باشد.»

موضوع توسعه که در این موقوفه به صورت پویا لحاظ شده، باید در تمامی موقوفات جدید لحاظ گردد تا هیچ موقوفه ای از انتفاع خارج نشود. در اساسنامه های ثبتي و یا وقفنامه ها می توان با آگاهی دادن به واقفان به گونه ای عمل کرد که هم عین موقوفه و هم مصارف آن قابل توسعه، تبدیل و تغییر باشد البته باید جهات شرعی و قانونی در این امر چنان لحاظ شود که موجبات سوء استفاده را فراهم نسازد و تبدیل و تغییر بهانه ای برای تصاحب و تصرفات غیر معمول موقوفات، در اختیار صاحبان قدرت قرار ندهد. در اساسنامه بنیاد فرهنگی البرز به این مورد توجه شده است؛ در ماده دهم چنین آمده است: «تبدیل به احسن نمودن هر

یک از مایملک غیر منقول بنیاد باید به تصویب هیأت امنا برسد و پس از تأیید رییس دیوان عالی کشور و یا قائم مقام رسمی او برابر مقررات سازمان اوقاف و امور خیریه عمل شود.»

توجه به یکی از آمارها نشان می‌دهد که بنیاد فرهنگی البرز قابلیت لازم را جهت توسعه دارد. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۸ تعداد دانشجویانی که از کمک‌های تحصیلی بنیاد برخوردار بوده‌اند حدود پنج هزار نفر بوده است و این با توجه به آماری که در گذشته بوده رقمی بسیار بالا را نشان می‌دهد و نیز تعداد ساختمان‌های بنیاد از چهار ساختمان امروزه دارای بیش از هفده ساختمان شده است.

پروژه بزرگی نیز در خیابان لاله‌زار نو با موقعیت تجاری و اداری احداث شده و به این وسیله هشتاد و پنج رقبه به رقبات بنیاد می‌افزاید. با توجه به وظایفی که در اساسنامه در جهت ترویج علم و فرهنگ و شکوفا کردن استعدادهای نهفته و بعضاً محروم این مرز و بوم بر عهده بنیاد فرهنگی البرز

نهاده شده است این موسسه به جز تکمیل پروژه‌های عمرانی اقتصادی و آموزشی که به آن اشاره شد، فعالیت‌هایی انجام داده است که بسیار وسیع است و در این مقال نمی‌توان به همه آنها اشاره کرد.

مدارس بنیاد فرهنگی البرز

یکی از نیات بنیاد فرهنگی البرز که در اساسنامه نیز به آن اشاره شده است مدرسه‌سازی می‌باشد که به لطف خداوند متعال تاکنون حدود سی هزار مترمربع بنای مفید آموزشی توسط بنیاد ساخته شده و به آموزش و پرورش تحویل داده شده است. نام برخی از این مجتمع‌های آموزشی از این قرار است: هنرستان یادگار حضرت امام با زیربنای سه هزار مترمربع و دارای بیست کلاس، هنرستان امیرکبیر با زیربنای دو هزار و پانصد مترمربع و دارای بیست کلاس، مدرسه البرز با زیربنای سه هزار مترمربع، مدرسه راهنمایی فخرالزمان با زیربنای دو هزار و پانصد مترمربع با دوازده کلاس در

تهران، دبیرستان البرز با زیربنای چهار هزار مترمربع، خوابگاه دانش‌آموزی با زیربنای هزار مترمربع در شهر آشتیان، دو مدرسه به نام البرز با زیربنای دو هزار و دو هزار و پانصد مترمربع در اهواز، مدرسه حضرت امام خمینی علیه السلام با زیربنای هزار مترمربع در شهرستان خمین و مدرسه البرز با زیربنای دو هزار مترمربع در شهرستان تکاب از استان آذربایجان غربی.

از دیگر فعالیت‌های این موسسه می‌توان به «اعطای جوایز حُسن تحصیل دانش‌آموزان نمونه شهر تهران» و وام تحصیلی اشاره کرد.

این واقف خیراندیش شادروان حسین علی البرز در روز بیست و شش مهرماه سال ۱۳۷۷ به علت کهولت سن و بیماری دار فانی را وداع گفت ولی نام نیک و آثار جاویدانش باقی ماند و وقف او همچنان استمرار داشته و به خدمت‌رسانی مشغول است.

برخی از واقفان به تأسیس مدرسه اهتمام نکرده‌اند ولی اموالی را برای تأسیس مدارس اختصاص داده‌اند

که در جدول نیت‌های واقفان به آن برمی‌خوریم برای نمونه، احداث مدارس شبانه روزی برای یتیمان و فقرا (۸۱۱۷۰۹۰۰۱)، احداث مدارس (۸۱۱۷۰۹۰۰۲) احداث مدرسه ناشنویان (۸۱۱۷۰۹۰۰۵)، احداث مراکز آموزشی فنی حرفه‌ای (۸۱۱۷۰۹۰۰۶)، احداث دبستان روستایی (۸۱۱۷۰۹۰۲۳)، احداث کودکان (۸۱۱۷۰۹۰۲۵)، و بعضی از واقفان اموالی را برای توسعه مدرسه‌های دیگر اختصاص داده‌اند (۸۱۱۷۰۹۰۱۸) و یا مدرسه خاصی را مد نظر قرار داده اموالی را برای توسعه آن وقف نموده‌اند، مانند جهت مدرسه سادات (۸۱۱۷۰۹۰۱۹)، و یا برای تعمیرات و نگهداری مدرسه (۸۱۱۷۰۹۰۰۸) اموالی را وقف کرده‌اند.

۱۹. پرداخت مبالغ کمک آموزشی و شهریه

بَعْد نوزدهم اجتماعی وقف، تأمین شهریه و هزینه‌های دانش‌پژوهان دینی است. ۳۹

در بُعد قبل بیان شد که در گذشته علاوه بر وقف مدارس علمیه، موقوفاتی را برای پرداخت به دانش‌پژوهان آن مدارس اختصاص می‌دادند تا طلاب بدون هیچ دغدغه خاطرری فقط به تحصیل پردازند و هر یک از مدارس بسته به تعداد طلاب، جایگاه هر یک و تعداد موقوفات به طلاب هزینه‌هایی پرداخت می‌نمودند و در قبال آن شرایطی برای تحصیل آن‌ها و ماندن آنان در مدرسه داشته‌اند.

این موقوفات از آن جهت بوده که تأمین هزینه تحصیل و زندگانی طلاب علوم دینی و روحانیون معظم از طریق به‌کارگیری راه‌کار شریف وقف و وجوه شرعیه مانند خمس، زمین‌های را فراهم آورد که طی آن، پایداری، استقلال عمل و عدم وابستگی مالی حوزه‌های علوم دینی به اعتبارات دولتی محفوظ بماند.

به گواه تاریخ، استقلال مذکور همواره استواری، نشاط و طراوت شجره طیبه اسلام را فراهم آورده و راه تسلط حکومت‌های جابر به مدارس

علوم دینی را که سدی نفوذ ناپذیر در برابر آنان و بیگانگان بوده‌اند بسته است.

امروزه نیز وقف با پایین آوردن هزینه اشتغال به تحصیل جوانان، به ویژه آنان که در مناطق محروم ساکن هستند، جهت ارتقای سطح معرفت و تحصیل ایشان هزینه‌هایی را به دانش‌پژوهان می‌پردازد که این عمل شریف توانسته موجبات کشف و شکوفایی استعدادهای درخشانی را فراهم آورد که به واسطه نبود امکانات، در محاق بی‌اعتنایی واقع شده‌اند و جامعه از برکات وجودشان محروم مانده است.

توجه به این نکته ضروری است که دانشگاه علوم و معارف قرآن که توسط سازمان اوقاف و امور خیریه اداره می‌شود در واقع یک دانشگاه غیرانتفاعی است ولی هیچ هزینه‌ای از دانشجویان اخذ نمی‌گردد و هزینه آن را اوقاف به عهده دارد و در واقع شهریه‌ای را از سوی هر یک از دانشجویان به دانشگاه پرداخت می‌نماید و از این راه هزینه

تحصیل آن‌ها را عهده‌دار شده است. برخی از واقفان اموالی را برای کمک به دانش‌پژوهان وقف نموده و به صورت مستقیم هزینه تحصیل دانش‌آموزان را عهده‌دار شده‌اند و یا با دادن لوازم کمک آموزشی و پوشاک به نوعی خواسته‌اند بار هزینه‌ای آن‌ها را در راه کسب علم و دانش کاهش دهند. از آنجایی که نیات واقفان در این زمینه متعدد و فراوان است به چند نمونه اشاره می‌شود:

هزینه خرج تحصیل دانش‌آموزان استثنایی (۸۱۱۷۰۳۰۰۱)، دانش‌آموزان بی‌بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۲)، دانشجویان بی‌بضاعت با استعداد (۸۱۱۷۰۳۰۰۲۷)، دانشجویان بی‌بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۲۶)، هزینه تحصیلی اطفال بی‌بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۴)، تهیه لباس شب عید محصلین بی‌بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۵)، لباس برای اطفال محصل بی‌بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۹)، لباس و کفش برای اطفال فقیر مدارس (۸۱۱۷۰۳۰۱۱)، لباس برای محصلین (۸۱۱۷۰۳۰۱۵)، جهت لباس و غذای سادات مشغول

تحصیل (۸۱۱۷۰۳۰۲۱) و خرید کتاب برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۳).

۲۰. ایجاد ارتباط سالم در جامعه

بعد بیستم ایجاد ارتباطات سالم است.

در دنیای کنونی که تمامی علوم گسترش یافته و پراکندگی جمعیتی به اوج خود رسیده ارتباطات می‌تواند نقش اساسی در یکپارچه‌سازی انگیزه‌ها برای حرکت‌ها و اقدامات زیربنیان ایفا نماید.

ارتباطات می‌تواند قلوب مردم را به یکدیگر نزدیک کرده، اهداف مشترک را کشف نموده تا بر اساس آن برنامه‌ریزی صورت گرفته و اقداماتی در جهت منافع دینی و دنیایی صورت پذیرد.

با چنین دستاورد عظیم، جامعه‌شناسان در پی عواملی هستند که بتواند ارتباطات مردمی و معنوی را گسترده‌تر نموده و مردم را از خودزدگی به سوی مردمی‌شدن و از ارتباطات درونی به ارتباطات برونی

کشانده و انسان عصر معاصر را به سوی تصمیم‌سازی عمومی و تفکر جمعی وادار نماید، از همین رو کرسی‌های هم‌اندیشی منطقه‌ای و جهانی ایجاد شده و حاکمان منتخب مردمی در سیاست‌گذاری‌های برخواسته از دموکراسی‌ها به ایفای نقش می‌پردازند. تمام این حرکت‌ها از روی ارتباط جمعی و همگانی صورت گرفته است. از سویی دیگر عالمان دینی از هر کیش و مذهبی نیز سعی در آن دارند بین مردم و معبود ارتباط ایجاد نموده و آن‌ها را به اطاعت، عبادت و بندگی بیشتر نزدیک نمایند.

در دین مبین اسلام نیز یک ارتباط دو سویه بین خداوند متعال با بندگان به وسیله نماز، دعا، تلاوت قرآن و انجام دستورات دینی برقرار گردیده به گونه‌ای که می‌توان گفت تمام علوم دینی از فقه، کلام، تفسیر، اخلاق بر اساس ارتباط بیشتر مردم با خداوند در شناخت و انجام دستورات او پایه‌ریزی گردیده است.

وقف یکی از دستورات مترقی دینی

است که توانسته نقش بسیار مهمی را در ارتباط مردم با مردم و مردم با خداوند، و مردم با معنویت ایجاد نماید و واقفان و خیرین با نیت‌های خیرخواهانه و در جهت رضایت خداوند توانسته‌اند چنین ارتباطاتی را برقرار نمایند.

با مروری به وقف‌های ایجاد شده و نیت واقفان پی می‌بریم وقف در مواقع و مواضع متعددی، ارتباطات تنگاتنگی برقرار کرده که اهم آن را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

۱. ارتباط مردم با مردم^{۴۰}

بسیاری از واقفان با قصد ارتباط با محرومان جامعه، اماکن و اموالی را وقف کرده تا به صورت مستقیم یا با استفاده از اموال و درآمد از موقوفات به امورات آن‌ها رسیدگی شود.

در این میان به وقف‌هایی برمی‌خوریم که توانسته ارتباط مردم را با یکدیگر بر محور خداجویی برقرار نماید و حرکت‌های مردمی را شکل دهد، وقف مساجد و اماکن مذهبی علاوه بر آن که ایجادگر ارتباط مردم

با خدا است، عاملی برای ارتباطات بیشتر مردم با یکدیگر و در نتیجه اتخاذ تصمیم‌های یکپارچه است، شاید همین علت باعث شده که سفارشات فراوانی از سوی ائمه هدی علیهم‌السلام و بزرگان دین برای حضور در جماعت مردم و مساجد صورت گیرد تا انسان را از حرکت‌های فردی به سوی حرکت‌های گروهی (آن هم برخاسته از معنویت الهی که در مساجد صورت می‌گیرد) سوق دهد. شکل دیگر ارتباط مردمی در وقف، ارتباط صاحبان اموال با مردم محروم به زیباترین شکل است. واقف که سال‌ها است اموالی را وقف نموده بدون هیچ منتهی منافی را نصب استفاده‌کننده عین موقوفه و افرادی که از منافع بهره می‌برند نموده و ارتباطی بین خود با مردم برقرار کرده و در برخی موارد نیز بین تمام بهره‌وران از منافع وقف نیز ارتباط برقرار گردیده است.

۲. ارتباطات مردم با اولیاء الهی^{۴۱}
انسان در طول برنامه‌های معنوی

خود باید علاوه بر ارتباط مستمر با عموم مردم، ارتباط با خوبان و مردم صالح را بیشتر مد نظر قرار داده و از این مسیر به ارتفاع مراحل معنوی خود بیفزاید.

در قرآن کریم بر این ارتباط تأکید شده و فرموده است:
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ^{۴۲}
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید.

صادقان همان اولیاء الهی که در رأس آن ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند، می‌باشند. این ارتباط باید به گونه‌ای باشد که قلوب انسان‌ها را به حضرات معصومین علیهم‌السلام پیوند زند تا دستورات آن‌ها به عمق جان انسان دنیازده نشسته و سعادت او را در پی داشته باشد.

واقفان با وقف حسینه‌ها و اماکن زیارتی و یا ساخت و تجهیز بقاع متبرکه و یا وقف اموالی برای هزینه کرد در راه حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام و امامزادگان، اسباب چنین ارتباطی را مهیا می‌نمایند.

به راستی چه آثار گران قدری در ایجاد چنین ارتباطاتی وجود داشته که از صدر اسلام تاکنون واقفان در پی هزینه کرد بیشتر برای بهره‌مندی مردم از چشمه جوشان و پرخروش برکات حضرات معصومین علیهم‌السلام بوده‌اند.

این ارتباط‌ها زندگی بسیاری از مردم را تحت الشعاع قرار داده و توانسته عموم مردم خداجوی را متخلق به آداب، متشرع به احکام و متوحد الهی گرداند که آن چنان جذب دین شده‌اند که حاضرند تمام جان و اموال خود را در راه اعتلای دین و بقای اسلام فدا نمایند.

بی‌شک در ایجاد چنین فضاهایی در جامعه، واقفان بهره‌ای فراوان داشته‌اند.

۳. ارتباط مردم با خدا^{۴۳}

هدف از بعثت تمام انبیاء الهی ایجاد ارتباط بین مردم دنیازده با خالق هستی و عبادت و بندگی به درگاه الهی می‌باشد.

اگر انسان سر به سجده به پیشگاه خداوند سایید و بنده او شد، توانسته در

مسیر خلقت گام برداشته و به والایی خود نزدیک‌تر گردد که خداوند فرمود:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^{۴۴}

و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

در طول تاریخ اسلام وقف در خدمت ارتباط هرچه بیشتر مردم با خداوند بوده و اولین گام‌ها و وقف‌های اسلامی نیز بر همین اساس پایه‌ریزی گردیده است.

وقف مساجد و یا اموالی که برای اداره مسجد شده برای آن بوده تا بتواند مردم را به سوی خداوند متعال رهنمون باشد و ارتباط زمینی را به سوی ارتباط والای آسمانی تبدیل نماید.

وقف اموال برای انجام مراسم حج و هزینه‌کرد برای حاجیان، از دیگر موقوفاتی است که در پی ارتباط بیشتر مردم با خداوند صورت گرفته است.

۲. ایجاد فرهنگ صحیح

بعد بیست و یکم وقف، فرهنگ‌سازی دینی و اجتماعی وقف

و بنیادهای فرهنگی و تحقیقاتی در دنیای امروز از طریق نوعی وقف به وجود آمده‌اند و به فعالیت مشغول هستند. بنابراین وقف را می‌توان یک «کمک‌رسانی بزرگ بشری» دانست که مسلمان، مسیحی، کلیمی و زرتشتی را در زیر چتر خود گردآورده است.

بزرگ‌ترین مدارس علمی جهان اسلام، مانند نظامیه‌های نیشابور و بغداد، با تکیه بر موقوفات اداره می‌شدند و بسا دانشمندان، مدرسان و حتی مردمانی محروم که جز درآمدهای وقفی، راه دیگری برای امرار معاش نداشتند.

وقف در تاریخ اسلامی، تجلی برکت و توسعه بوده است. در سده‌های نخستین اسلام و ادوار آغازین، دین نوپای اسلام با مجاهدت و همت مسلمانان در تخصیص موقوفات - به صورت‌های گوناگون - گسترش یافت. گسترش و افزایش موقوفات و تنوع رقبات موقوفه به تدریج به شکل گرفتن مراکز علمی و عبادی در نقاط مهم قلمرو اسلامی، از جمله ایران، بغداد،

وقف یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگ‌پروری و تمدن‌سازی در مشرق زمین بوده است. در گذشته‌های نه چندان دور، بیشترین مراکز علمی، بهداشتی، تربیتی، آموزشی، خدماتی، عبادی و انواع بناهای عام‌المنفعه در کشورهای اسلامی، به دست و همت واقفان و نیکوکاران پدید می‌آمد. و همان گونه که گفته شد برای استمرار عمر این موقوفات نیز تدابیری اندیشه می‌شد تا به حیات خود ادامه دهند و برای نسل‌های بعد نیز باقی بمانند. کافی است برخی اخبار بازمانده از مراکز فرهنگی قدیم را یک‌بار از نظر بگذرانیم تا دریابیم که سنت و فرهنگ وقف، چه خدمات شگفتی به فرهنگ و تمدن اسلامی کردند.

این نیز گفتنی است که وقف، اختصاصی به فرهنگ مسلمانان و کشورهای اسلامی ندارد. زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان و پیروان دیگر ادیان آسمانی نیز به گونه‌هایی وقف را باور دارند و حتی بسیاری از مراکز

مصر، شام و ترکیه منجر گشت که در واقع مکان‌هایی ثابت برای تجمع و اقامت مسلمانان بودند. این تجمع‌ها، نتایج درخشانی برای مسلمانان به دنبال داشت که تأثیر سنت وقف در حوزه اسلامی را نشان می‌دهد.

وقف با پشتوانه‌ای اجتماعی و اقتصادی، موقعیت‌های شایسته‌ای را برای تعلیم و تعلم و نقد علوم عقلی و نقلی اعم از: فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، کلام و... در مدارس اسلامی فراهم آورد تا با تمهیدات لازم (از جمله کتابخانه‌ها و محیط مدارس) بتواند در راه تألیف و تحریر آثار دینی، نقشی اساسی در تمدن اسلامی و ایرانی ایفا نماید؛ و در نتیجه موقوفات با کمک به گسترش محیط و فضای مساجد و افزایش جمعیت آن مسلمانان را به مثابه انسان‌های مقید و معتقد به اصول دینی ساخت.

پس آثار وقف در ایران توانست فرهنگ دینی و مذهبی را گسترش دهد و از گزند حوادث حفظ نماید، عالمان دینی در همین مدارس وقفی به علم

و معلومات خود افزودند و در مساجد وقفی به موعظه مردم و انتقال علوم دینی به مردم پرداختند و باز مردم در حسینیه‌ها، تکیه‌ها و بقاع متبرکه وقفی به توسل به اهل‌البیت علیهم‌السلام و راز و نیاز با خداوند پرداختند و حوائج خود را در کنار سقاخانه‌های وقفی از خالق بی‌نیاز مطالبه کردند، و فرهنگ دین‌مداری و دین‌خواهی در بین مردم به همین امور حفظ و استمرار یافت.

آری از جنبه اجتماعی، نقش موقوفات در گسترش و تجهیز مراکز دینی و فراهم آوردن توانایی اقتصادی برای دانشمندان بزرگ اسلامی، این امکان را فراهم آورد تا به عنوان نهادی اجتماعی، نه فقط گره‌گشای مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی باشد، بلکه همچنین می‌توان آن را به عنوان ملجأ و پناهگاهی امن برای مردم و پشتوانه‌ای معنوی در بحران‌های اجتماعی شمرد.

همچنین وقف را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد فرهنگ و ادب فارسی دانست. اگرچه شاعران و ادیبان فارسی‌زبان همواره به آسیب‌شناسی

هرچند شاهد آن هستیم که بسیاری از موقوفات از وقفیت خود خارج شده و هم اکنون آثاری از وقف بودن آن به جای نیست ولی باید اذعان داشت موقوفه‌خوارانی که چنین بلیه‌هایی را بر وقف‌ها آورده‌اند افرادی محدود ولی دنیاطلب و اکثراً از وابستگان به دستگاه‌های حاکم بوده و این اعمال ربطی به عموم مردم نداشته است.

نتیجه‌گیری و پایان

آثار وقف در جوامع اسلامی بسیار زیادتر از احصاء است و در ایران نیز نمی‌توان تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وقف را برشمرد. در این بین آثار اجتماعی وقف ارتباطی تنگاتنگ با دیگر آثار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داشته و می‌تواند به عنوان یک اثر همه‌جانبه در جوامع مطرح گردد.

در میان آثار اجتماعی، وقف اسلامی نیز گستردگی خاص خود را دارد که با توجه به بررسی آن در محدوده کشور ایران می‌توان این آثار را در ابعاد

وقف نیز توجه کرده و نکات سودمندی را تذکر داده‌اند، اما کتمان نمی‌توان کرد که بخش عظیمی از سرمایه‌های ادبی و فرهنگی ایرانیان محصول پشتیبانی‌های واقفان و موقوفات بوده است. به عبارت دیگر، نصیحت‌ها و هشدارهای گویندگان بزرگ زبان فارسی درباره نحوه استفاده از سرمایه‌های وقفی، ناشی از احساس و امداری آنان به وقف بوده است؛ نه این که نسبت به این سنت حسنه و عامل گسترش فرهنگ و دانش، اعتراضی داشته باشند؛ زیرا وقف، عبادتی مفید و اثرگذار است و بزرگ‌ترین واقف عالم، خداوند است: موقوفه بهشت برین را به نام ما بنموده وقف، واقف جنت مکان او^{۴۶} ماهیت وقف توانست در کشور ایران فرهنگی را ایجاد کند که اولاً مردم ثروتمند را ترغیب به امورات خیر و انجام اقدامات خدایسندانه در تأسیس مساجد و مدارس و اماکن عام‌المنفعه گرداند و ثانیاً دیگران را از استفاده بی‌رویه از این موهبت که با نیت خیراندیشانه فراهم آمده، باز دارد. البته

مختلفی بیان نمود که در این مقال به بیست و یک اثر اجتماعی وقف اشارت شده است.

هر یک از این ابعاد نشانگر اثری از آثار وقف در جامعه ایران است که برخی از آنها با هم تداخل دارد ولی بیانگر آثار و ابعاد فراوان وقف در جامعه ایران می باشد.

پی نوشت ها:

۱. ر.ک مراکز علمی و آموزشی و رابطه آنها با نهاد وقف.
۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۸۸۱.
۳. تاریخ بیهقی، ص ۱۵۸.
۴. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی اجتماعی آن، ص ۷۵.
۵. تاریخ بیهقی، ص ۱۷۲.
۶. منتخب السیاق، صص ۱۳۲-۱۳۳.
۷. وفيات الاعیان، ص ۲۰۳.
۸. همان، صص ۱۶۷-۱۶۸.
۹. تحصیلات، سفرها، آثار علمی و خدمات آموزشی، ابن حبان بستی، صص ۶۹-۸۱.
۱۰. همان، صص ۲۳۱-۲۳۵.
۱۱. فرار از مدرسه، ص ۱۶۷.
۱۲. گزارش یاقوت از کتابخانه های مرو، ص ۴۱۷.
۱۳. همان، ص ۴۲۵.
۱۴. همان، صص ۴۱۵-۴۲۳.
۱۵. ابو فوطی بغدادی، الحوادث الجامعة بغداد، ص ۳۵۰.
۱۶. ر.ک: وقفنامه ربع رشیدی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶ ه ش؛ و مقاله «سرگذشت دانش و دانشمندان در حمله مغول»، صص ۳۱۴-۳۱۵.
۱۷. سَنَب: گنبد. در برخی قسمت های آذربایجان به اراضی مسطح و مزروع و چمنزار و مخصوصا جاهایی که برنج می کارند و سطح آنها با رودخانه

۳۲. سفرهای شوالیه شاردن، ج ۳، ص ۹۳۸.
۳۳. همان.
۳۴. برخی واقفان در زمره شروط وقفنامه قید کرده‌اند که عمال دولتی به هیچ عنوان در این موقوفه مدخل نسازند. اما در بیشتر وقفنامه‌ها پرداخت حقوق دیوانی از اولین پرداخت‌ها و از جمله مخارج ضروری محسوب شده است.
۳۵. مانند هزینه کشت و زرع در املاک زراعی، لایروبی قنوات، مرمت بناهایی مانند کاروانسرا، دکان و غیره.
۳۶. وی از علمای برجسته اواخر دوره صفویه است و از معدود علمایی است که مبادرت به ساخت مدرسه و وقف آن کرده باشد.
۳۷. مصاحبه رییس مجمع خیرین مدرسه‌ساز کشور، به نقل از روزنامه کیهان، مورخ ۸۵/۲/۲۵.
۳۸. مجتمع‌های وقفی فرهنگی بنیاد فرهنگی البرز.
۳۹. ر.ک «راهکار وقف در حل مشکلات جامعه»، عنوان «تأمین شهریه طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان».
۴۰. ر.ک «وقف در تمدن عثمانی، محمد علی اونال» عنوان «رقابت مردم در امور خیریه».
۴۱. ر.ک وقف در سیره پیامبر و امامان شیعه.
۴۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۱۹.
- مساوی است و از آن مشروب می‌شوند «شام» می‌گویند. این محل پیش از ساخته شدن مقبره غازان خان «شام‌غازان» نامیده می‌شد و پس از درگذشت او به سبب گنبد و مقبره او «شنب‌غازان» نام گرفت. ر.ک: چهل مقاله، صص ۱-۳.
۱۸. برگرفته از گنج سخن ج ۱، ص ۲۹۱.
۱۹. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۷۶۱.
۲۰. این نکته اشاره ظریفی دارد که در دوره مورد نظر غالباً فرزندان حرفه پدر را دنبال می‌کردند. از این روی فرزندان یک عالم بزرگ احتمال بسیاری داشت که از علما زمان خود باشند.
۲۱. چهار وقفنامه از چهار مدرسه اصفهان در دوره صفوی.
۲۲. موقوفات شیخ علی خان زنگنه.
۲۳. وقفنامه مدرسه مقیمیه شیراز.
۲۴. وقفنامه مدرسه مریم بیگم.
۲۵. قید طلبه سکنه به این دلیل است که روزانه افرادی پای درس مدرسین حاضر می‌شدند که در زمره طلاب اصلی مدرسه نبودند.
۲۶. وقفنامه مدرسه مریم بیگم.
۲۷. همان.
۲۸. موقوفات شیخ علی خان زنگنه.
۲۹. وقفنامه مدرسه مقیمیه شیراز.
۳۰. شیوه اداره مدارس بر اساس وقفنامه‌ها در دوره صفوی.
۳۱. همان.

۴۳. ر.ک «ملاحظات اجتماعی و انسانی در متن وقفنامه‌های کردستان ایران» عنوان «وقف جلوه‌گاهی از ایمانی راسخ به خدا و آخرت».
۴۴. سوره مبارکه ذاریات، آیه ۵۶.
۴۵. ر.ک وقف و تمدن اسلامی.
۴۶. دیوان ملک الشعراء بهار.

منابع:

کتاب

۱. قرآن کریم
 ۲. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف الله هنرفر، گلها، اصفهان، ۱۳۷۳ش
 ۳. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام، قم، ۱۳۷۷ش
 ۴. الاغانی، علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، موسسه المصریه، قاهره، ۱۳۲۳ق
 ۵. البداية و النهایة، ابن کثیر، مكتبة المعارف بیروت الطبعة الثانية، ۱۹۷۷م
 ۶. بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، محمد مهدی بروشکی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵ش
 ۷. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی (مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی)، عباس سعیدی رضوانی،
- آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۸ش
۸. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، منصور علی ناصف، داراحیاء الکتب العربیه، قاهره، بی تا
۹. تاریخ ابن خلدون، مقدمه، ترجمه و تدوین گنابادی، نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹ش
۱۰. تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری، چاپ حسین عمادزاده، اصفهان، ۱۳۲۲ش
۱۱. تاریخ الموصل، سعید دیوه‌جی، المجمع العلمی العراقی، موصل، ۱۴۰۲ق
۱۲. تاریخ بیست ساله ایران: مقدمات تغییر سلطنت، حسین مکی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ش
۱۳. تاریخ بیهق، ابوالحسن بیهقی، فروغی، تهران، ۱۳۰۸ش
۱۴. تاریخ چین: از جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وانگ دان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۹ش
۱۵. تاریخ علم کمبریج، کالین رومان، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۱ش
۱۶. تاریخ کاشان، عبدالرحیم ضرابی (سهیل کاشانی)، انتشارات فرهنگ ایران زمین،

- تهران، ۱۳۳۵ش
۱۷. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق
۱۸. تاریخ تمدن اسلامی، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، امیرکبیر، ۱۳۴۴ش
۱۹. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا، ستوده، تبریز، ۱۳۷۳ش
۲۰. تاریخ یزد، جعفر بن محمد بن حسن جعفری، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۳ش
۲۱. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سینتا، اداره کل اوقاف اصفهان، اصفهان، ۱۳۴۶ش
۲۲. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ الطوسی، تحقیق وتصحیح أحمد حبيب قصیر العاملی، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق
۲۳. تحریر الوسیله، الامام سید روح الله خمینی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ش
۲۴. تحریر المجله، محمد الحسین آل کاشف الغطاء، مکتبه المرتضویه، نجف، بی تا
۲۵. تذکره الفقهاء، ابو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی، المکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۸۸ق
۲۶. التریبه و التعلیم فی الاسلام، سعید دیوه جی، مکتب التراث العربی، موصل، بی تا
۲۷. التعریفات، علی بن محمد علی شریف جرجانی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق
۲۸. التفسیر الکبیر، فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ش
۲۹. تلخیص مجمع الاداب فی معجم الالقاب، عبدالرزاق بن احمد ابن فوطی، وزارة الثقافة والارشاد القومي، دمشق، ۱۹۶۲م
۳۰. التوقیف علی مهمات التعاریف، عبدالرؤف بن تاج العارفين مناوی، عالم الکتب، قاهره، ۱۴۱۰ق
۳۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۹ق
۳۲. جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳ش
۳۳. جامع الخیرات وقفنامه رکن الدین حسینی یزدی، به کوشش محمد تقی دانش پزوه و ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۴۱ش
۳۴. جامع عباسی، بهاء الدین محمد بن الحسین بن عبدالصمد العاملی، فراهانی، تهران، بی تا

۳۵. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، محمد بن احمد قرطبی، دارالبیان العربی، قاهره، ۱۴۲۹ق
۳۶. جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۸۵ش
۳۷. الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی المائة السابعه، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق ابن فوطی، دارالفکر الحدیث، بیروت، ۱۴۰۷ ه.ق
۳۸. دایرة المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ش
۳۹. دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، محمد تقی بهار، آزاد مهر، تهران، ۱۳۸۲ش
۴۰. ذکرة الملوك، میرزا سمیعا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تعلیقات استاد مینورسکی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸ش
۴۱. راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی، اسماعیل دیباج، چاپخانه شفق، تبریز، ۱۳۳۴ش
۴۲. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، زین الدین علی عاملی الشهدی الثانی، منشورات مكتبة الداوری، قم، ۱۴۱۰ ه.ق
۴۳. ساختار وقف در جهان اسلام، ابراهیم بیومی غان، ترجمه صادق عبادی، اسوه، تهران، ۱۳۸۶ش
۴۴. سفرنامه از خراسان تا بختیاری، هانری رنه دالمانی، ترجمه غلامرضا سمیعی، انتشارات طائوس، تهران، ۱۳۷۸ش
۴۵. سفرنامه ایران و ایرانیان، ادوارد پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱ش
۴۶. سفرنامه تاورنیه، ژان باتیست تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح دکتر حمید شیرانی، کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۳۶ش
۴۷. سفرنامه دیولافوا، ترجمه فره وش، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۶۱ش
۴۸. سفرنامه کمپفر، انگلبرت کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳ش
۴۹. سفرهای شوالیه شاردن، ژان شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، توس، تهران، ۱۳۷۴ش
۵۰. سنن الدار قطنی، علی بن عمر الدار قطنی، موسسه التاريخ العربی، بیروت، ۱۹۹۳م
۵۱. سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی، صدر واثقی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۸ش
۵۲. عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ منشی، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷ش
۵۳. عروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، مکتبه داوری، بی تا

۵۴. علم و تمدن در اسلام، حسین نصر، ترجمه احمد آرام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ش
۵۵. فرار از مدرسه، عبدالحسین زرین کوب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷ش
۵۶. الفروق اللغویه، حسین بن عبدالله عسکری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ هـ.ق
۵۷. فرهنگ ایران زمین، زیر نظر و به کوشش ایرج افشار، سخن، تهران، ۱۳۸۶ش
۵۸. فرهنگ قرآن، اکبرهاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۹ش
۵۹. فرهنگ معارف اسلامی شامل اصطلاحات مربوط به علوم، جعفر سجادی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۲ش
۶۰. الفقه علی المذاهب الخمسة (الجعفری، الحنفی، المالکی، الشافعی، الحنبلی)، محمد جواد مغنیه، مؤسسة الصادق، تهران، بی تا
۶۱. فوات الوفيات، محمد بن شاکرین احمد الکتبی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۸۰ش
۶۲. القاموس المحيط، محمد بن یعقوب فیروزآبادی، مطبعة دارالمأمون، مصر، بی تا
۶۳. الکامل فی التاریخ، علی بن الکریم محمد بن عبدالکریم الشیبانی المعروف ابن الأثیر، دار صادر و دار بیروت للطباعة والنشر بیروت ۱۹۶۵م
۶۴. کتابچه موقوفات یزد، عبدالوهاب طراز، تصحیح ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، بی تا
۶۵. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (کلینی)، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ هـ.ق
۶۶. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرن وسطی، یوسف العیش، ترجمه اسدالله علوی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۲ش
۶۷. کشف الاسرار و عدة الابرار، احمد بن محمد میدی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱ش
۶۸. گزارش یاقوت از کتابخانه‌های مرو، نورالله کسای، مجموعه ارج نامه ایرج، تهران، توس، ۱۳۷۷ش
۶۹. گنج سخن، ذبیح الله صفا، موسسه و انتشارات و چاپ، تهران، ۱۳۵۵ش
۷۰. لسان العرب، ابن منظور المصري، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۸م
۷۱. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷ش
۷۲. مالک و زارع در ایران، آن کاترین

۸۳. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، احمد صادقی گلدر، قم، ۱۳۸۵ش
۸۴. مکتبه الاوقاف العامة، تاریخها و نوادر، مجله الرسالة الاسلامیة، بغداد، ۱۹۶۹م
۸۵. المکتبات فی الاسلام: نشاتها و تطورها و مصائرها، محمد ماهر حماده، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۴هـ.ق
۸۶. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳هـ.ق
۸۷. منتخب السیاق، صریقینی، ابواسحاق، تحقیق محمد کاظم محمودی، قم، ۱۳۶۲ش
۸۸. المنتظم، ابوالفرج عبدالرحمان ابن الجوزی، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲هـ.ق
۸۹. موطأ، مالک بن انس، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، ناشر: مصطفی البابی الحلبي، ۱۴۰۶هـ.ق
۹۰. موقوفه محمد نمازی در شیراز، نادر ریاحی سامانی، اسوه، تهران، بی تا
۹۱. - المیزان تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳هـ.ق
۹۲. نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب، حمد بن محم المقرئ التلمسانی، دارصادر، بیروت، ۱۹۶۸م
- سواين فورد لمتون، ترجمه منوچهر امیری، تهران، ۱۳۴۵ش
۷۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵هـ.ق
۷۴. مجموعه قوانین و مقررات اوقافی، گردآورنده: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۶۸ش
۷۵. تاریخ مختصر الدول، غریغوریوس ملطی معروف به ابن عبری، موسسه نشر منابع الثقافة الاسلامیة، قم، بی تا
۷۶. المختصر النافع، محقق حلی، مؤسسه بعثت، تهران، ۱۴۱۰هـ.ق
۷۷. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، نور الله کسایبی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۴ش
۷۸. مدینه اسلامی، محمد عبدالستار عثمانی، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش
۷۹. معجم الادباء، یاقوت حموی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰هـ.ق
۸۰. معجم مقاییس اللغة، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۳ش
۸۱. المفتاح الفلاح، محمد بن حسین شیخ بهایی، حکمت، تهران، ۱۳۶۶ش
۸۲. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، دفتر نشر کتاب، تهران، ۱۴۰۴هـ.ق

۹۳. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، سلیمی فر، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۰ش
۹۴. نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف، سازمان اوقاف و امور خیریه، اسوه، تهران، ۱۳۶۴ش
۹۵. نگاهی درباره وقف و تعاریف و اصطلاحات وقف در احکام شرعی و قوانین مدنی، گردآوری: آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷ش
۹۶. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، قم، ۱۴۰۹ ه.ق
۹۷. وفيات الأعیان و أبناء الزمان، ابن خلکان، تصحیح احسان عباس، قم، ۱۳۶۴ش
۹۸. وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، محمد امینیان مدرس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۴ش
۹۹. وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، محمد حسن حائری (یزدی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۰ش
۱۰۰. وقفنامه ربیع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۶ش

۱۰۱. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، یحیی محمود ساعتی، ترجمه احمد امیری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴ش
۱۰۲. وقف و سیر و تحولات قانونگذاری در موقوفات، نادر ریاحی سامانی، نوید، شیراز، ۱۳۸۲ش
۱۰۳. یادگارهای یزد، ایرج افشار، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۴ش
۱۰۴. یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، همایش خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳ش

مقالات

۱۰۵. ابعاد اقتصادی وقف، فرزانه صفایی، همایش وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، ۱۳۸۷ش
۱۰۶. اصفهان، سرزمین وقف، محمدعلی خسروی، میراث جاویدان، شماره ۲۰
۱۰۷. ارکان الوقف فی الفقه الإسلامی (دراسة فقهية مقارنة)، محمد عبدالرزاق و سید ابراهیم طباطبایی
۱۰۸. انگیزه‌ها و آثار روانی و تربیتی وقف، عباس معدن‌دار آرانی، میراث جاویدان، شماره ۷
۱۰۹. اوقاف کویت، تجربیات و چشم اندازها، عبدالله طارق و محسن ایمانی، میراث جاویدان، شماره ۵۵
۱۱۰. اوقاف، علی اکبر شهابی، ایرانشهر، ج ۲

۱۱۱. بررسی وقف بر اساس مبانی اجتهادی از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی، محمد ابراهیم جناتی، میراث جاویدان، شماره ۲۷
۱۱۲. بهره وری موقوفات، موانع، راه کارها، یحیی کریمی، میراث جاویدان، شماره ۳۱
۱۱۳. تحصیلات، سفرها آثار علمی و خدمات آموزشی ابن حبان بستی، نورالله کسایی، مجله تحقیقات اسلامی، سال ۱۰، شماره ۱، ۱۳۷۴ش
۱۱۴. تحلیلی فضایی کالبدی بازار اصفهان، سیروس شفقی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰
۱۱۵. تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن؛ مطالعه تطبیقی - تاریخی، ناصر کاتوزیان، نقد و نظر، شماره ۲۱
۱۱۶. تحول نهاد وقف، نادر ریاحی سامانی، همایش وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، آبان ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۶۹
۱۱۷. تعزیه، هنر وقفی ایران و میراث جاویدانی از قلمرو آیین و ایمان، جابر عناصری، میراث جاویدان، شماره ۳
۱۱۸. چهار وقفنامه از چهار مدرسه اصفهان در دوره صفوی، نزهت احمدی، مجموعه مقالات «در باب اوقاف صفوی»، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ش
۱۱۹. دو وقفنامه کتاب از عهد صفوی، رضا مختاری، میراث جاویدان، شماره ۱۳
۱۲۰. راهکار وقف در حل مشکلات جامعه، بیژن شهرامی، میراث جاویدان، شماره ۴۲
۱۲۱. ربع رشیدی: مجتمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز، سید حسین امیریان، میراث جاویدان، شماره ۲۷
۱۲۲. سرگذشت دانش و دانشمندان در حمله مغول، فصلنامه پژوهش، شماره ۴
۱۲۳. سقاخانه‌های قدیمی تهران، رحمان احمدی ملکی، میراث جاویدان، شماره ۲۳
۱۲۴. شیوه اداره مدارس بر اساس وقفنامه‌ها در دوره صفوی، نزهت احمدی، میراث جاویدان، شماره ۳۷
۱۲۵. عضالدوله دیلمی و بیمارستان عضدی بغداد، نورالله کسایی، مجموعه مقالات همایش بین المللی تاریخ پزشکی، مؤسسه توسعه دانش و آموزش
۱۲۶. فرهنگ حقوقی وقف (مشمول بر توضیح اصطلاحات حقوقی، قواعد، موضوعات و احکام وقف و سایر اصطلاحات مرتبط)، دلاور برادران، میراث جاویدان، شماره ۶
۱۲۷. مبانی مدیریت موقوفات در اسلام، سید محمد مهدی هاشمی نسب،

- میراث جاویدان، شماره ۳۰
 ۱۲۸. مجالات الوقف المؤثرة في الدعوة
 الى الله تعالى، مقتدى حسن بن محمد
 ياسين، كتاب «اثر الوقف على الدعوة
 الى الله تعالى»، كويت، ص ۱۱۱
 ۱۲۹. مجالات الوقف و مصارفه في القديم
 و الحديث، احمد بن إبراهيم حيدري،
 كتاب «الوقف و القضاء»، رياض، وزارة
 الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة
 و الارشاد، ج ۲، ص ۸۱۵
 ۱۳۰. مجتمع های وقفی فرهنگی بنیاد
 فرهنگی البرز، سید ناصر هاشم زاده،
 میراث جاویدان شماره ۲۷
 ۱۳۱. مراکز علمی و آموزشی و رابطه آنها
 با نهاد وقف، نادر پورارشاد، میراث
 جاویدان، شماره ۳۹
 ۱۳۲. مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات
 آن، محمود یزدی مطلق، میراث
 جاویدان، شماره ۳۵
 ۱۳۳. ملاحظات اجتماعی و انسانی در
 متن وقفنامه های کردستان ایران، سوران
 کردستانی، میراث جاویدان، شماره ۴۰
 ۱۳۴. منابع موقوفات آستان قدس رضوی
 و فهرست واقفان مشهد مقدس،
 عزیزالله عطاردی، میراث جاویدان،
 شماره ۳۶
 ۱۳۵. موقوفات ایرانیان در عراق، محمد
 رضا انصاری قمی، میراث جاویدان،
 شماره ۹
۱۳۶. موقوفات زنان در ایران، محمد علی
 خسروی، میراث جاویدان، شماره ۱۰
 ۱۳۷. موقوفات شیخ علی خان زنگنه،
 نعمت الله قاسمی، میراث جاویدان،
 شماره ۵۵
 ۱۳۸. نقش صدر(رئیس اوقاف) در
 حکومت صفویه، نفیسه مرتضوی،
 میراث جاویدان، شماره ۷۶
 ۱۳۹. نقش وقف و قف در آبادی شهرها،
 اشرف السادات باقری، میراث جاویدان،
 شماره ۵۵
 ۱۴۰. نقش وقف در تأمین مالی توسعه
 گردشگری، حسین پیراسته و محمد
 زاهدی، همایش وقف و تمدن اسلامی،
 اصفهان، آبان ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۲
 ۱۴۱. نقش وقف کتاب در تمدن اسلامی،
 محمد علی سلطانی، همایش وقف و
 تمدن اسلامی، اصفهان، آبان ۱۳۸۷،
 ج ۳، ص ۴۱۳
 ۱۴۲. نگاهی تحلیل گرانه به عمران
 روستایی در ایران، حسین آسایش،
 فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۴
 ۱۴۳. وقف به مثابه الگوی کارآفرینی
 اجتماعی پایدار در اسلام، حبیب الله
 سالارزهی، همایش وقف و تمدن
 اسلامی، اصفهان، آبان ۱۳۸۷، ج ۲،
 ص ۴۴۹
 ۱۴۴. وقف پشتوانه نهادهای علمی
 در احیای تمدن اسلامی، مرتضی

مرتضوی کاخکی و حجت الله برامکی
 یزدی، همایش وقف و تمدن اسلامی،
 اصفهان، آبان ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۹۱
 ۱۴۵. وقف در اصفهان (پراکندگی
 جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی،
 اقتصادی و فرهنگی آن)، سیروس
 شفقی، میراث جاویدان، شماره ۱۹
 ۱۴۶. وقف در تمدن عثمانی، محمد علی
 اونال، میراث جاویدان، شماره ۲۱
 ۱۴۷. وقف در سیره پیامبر و امامان شیعه،
 محمد علی چنارانی، میراث جاویدان،
 شماره ۳۹
 ۱۴۸. الوقف مکاتنه و أهمیة الحضاریة،
 فواز بن علی بن جنیدب الدهاس،
 عربستان، وزارة الشؤون الاسلامیة و
 الاوقاف، ۱۴۲۰ق
 ۱۴۹. وقفنامه مدرسه مریم بیگم، عفت
 خوشنودی، میراث جاویدان، شماره ۷۴
 ۱۵۰. وقفنامه مدرسه مقیمیه شیراز، فاطمه
 حاتمی، میراث جاویدان، شماره ۴۴
 ۱۵۱. وقف و امنیت اجتماعی «دولت
 و وقف به عنوان نهاد جامعه مدنی:
 تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابل
 در مقوله امنیت»، رضا سیمبر، همایش
 وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، آبان
 ۱۳۸۷، ج ۳ ص ۱۵۳
 ۱۵۲. وقف، مفهومه، فضله، ارکانه،
 شروطه، انواعه، محمود عبدالرحمن
 عبدالمنعم، اولین همایش اوقاف

در کشور عربستان، در مکه مکرمه،
 دانشگاه أم القری، وزارت شؤون
 اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد،
 ۱۴۲۲ق
 ۱۵۳. وقف و تمدن اسلامی (مجموعه
 مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی)،
 سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان
 چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۷ش
 ۱۵۴. وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی
 و اجتماعی، صادق بختیاری، میراث
 جاویدان، شماره ۳۹